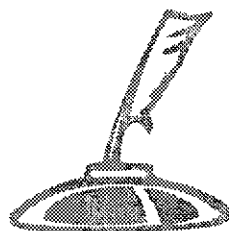


تفسیر
سلیمانی

کمال الدین شیخ علیرضا
اردکانی شیرازی



عبدالحسین شهیدی صالحی

شیخ علیرضا (متوفای بعد ۱۱۲۰ هـ.ق)، فرزند کمال الدین حسین اردکانی شیرازی از ارباب فصاحت و بلاغت و ادب؛ و جامع علوم عقلی و نقلی است. وی از اکابر مفسران شیعه در عصر صفوی بود. مقدمات علوم اسلامی و فنون ادب را در زادگاه خود در اردکان و شیراز فرا گرفت، سپس به اصفهان رفت و به مدارج عالی اجتهاد در زمینه فقه و حدیث، در حوزه درس ملا محمد تقی مجلسی (مجلسی اول) (م ۱۰۷۰ هـ.ق) دست یافت، وی رغبت بسیاری به علوم عقلی یافت و به مدرسه بلند آوازه نواب قزوین روی آورد. در آن زمان مدرسه قزوین در فلسفه شهرت بسزایی داشت زیرا، فلاسفه بزرگی مانند: آخوند سید میر محمد یوسف طالقانی قزوینی (متوفای حدود سال ۱۰۹۸ هـ.ق) که از پیروان مکتب فلسفی استادش ملارجبعلی و آخوند شیخ مایوسف (متوفای حدود سال ۱۰۹۰ هـ.ق) هر دو از شاگردان و پیروان صدر المتألهین شیرازی و شیخ ملا محمد کاظم طالقانی (متوفای سال ۱۰۹۴ هـ.ق) از مدرسین مشهور آن مدرسه بودند.

صاحب تفسیر سلیمانی چنانکه خود یاد کرده است، از محضر مشایخ یاد شده در مدرسه نواب سالها کسب فیض کرد. بعدها رهسپار عتبات عالیات عراق گردید و در کربلا مسکن گزید و از حوزه بزرگان علم و دانش آن سامان بهره مند شد و به مقام عظیم علمی و درجه والای اجتهاد نایل گردید. سرانجام به موطن خویش، ایران بازگشت و اصفهان را مسکن خود قرار داد و بر کرسی تدریس و فتوا نشست و رهبری امت را به دست گرفت و از معاصرین خود پیشی گرفت و جایگاه بلندی پیدا کرد. وی نیز به دربار صفویان راه یافت و از اکابر علمای عصر شاه سلیمان صفوی (جلوس ۱۰۷۷-۱۱۰۵هـ) گردید. او از جمله علمای گمنام روزگار صفویان است که نهضت فارسی نویسی را پایه گذاری کرد و زبان و ادبیات فارسی را در حوزه های علمی کربلا و قزوین و اصفهان رواج داد و تمام آثار و مؤلفات خود را به زبان فارسی نگاشت.

وی از جمله مفسران امامیه است که بیش از یک تفسیر بر قرآن کریم نگاشته اند. نخست تفسیر صغیر خود را تألیف کرده است و سپس تفسیر کبیر خویش را در نهایت فصاحت و بلاغت و دقت در تحقیق، به رشته تحریر در آورده است.

تفسیر سلیمانی:

این کتاب در یک مجلد بزرگ و به زبان فارسی، شامل تمام قرآن کریم از سوره مبارکه حمد تا سوره ناس است. این تفسیر به شیوه ادبی و کلامی و با مشرب فلسفی و عرفانی نگاشته شده است. تلاش مفسر بر آن است که همه بحث های خود را به روایات ائمه علیهم السلام ارتباط دهد و در کنار بیان روایات به نقل اقوال صحابه و تابعان چون: ابن عباس، مجاهد و قتاده پرداخته است و از تفاسیر بزرگی همچون: تفسیر قمی و تفسیر شیخ طوسی و عیاشی نیز بهره برده است.

مؤلف در مقدمه ای که بر این تفسیر نگاشته است ابتدا روش خود را در ترجمه آیات بیان داشته و سپس به شیوه تفسیری خود اشاره کرده است و در پی آن به تفسیر استعاذه (اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم) پرداخته است و تفسیر سوره حمد را با تفسیر بسم اللّه الرحمن الرحیم آغاز کرده است.

روش مفسر بدین گونه است که ابتداء آیه شریفه را آورده است، سپس به گونه روان و

شیرین و با سبکی زیبا و نیکو و با در نظر گرفتن جوانب بلاغت و ادب، به ترجمه و تفسیر پرداخته است. وسعی فراوانی کرده است که ترجمه آیات، کمال مطابقت را با متن عربی قرآن کریم داشته باشد. در ترجمه آیات حدّ وسط را برگزیده و راه افراط و تفریط را نپیموده است، به گونه ای که تأکید بر نثر و زبان فارسی دارد و ترجمه آیات وی را در واقع می توان ترجمه تحت اللفظی و بدون توجه به نظرگاه های تفسیری به حساب آورد و یا به حداقل استفاده از عنصر تفسیر اکتفا کرده است و سعی کرده ترجمه کمال مطابقت را با آیه داشته باشد و از استعاره و کنایه بدور باشد و در ضمن به گونه ای فصاحت و بلاغت و زیبایی آیه را به ترجمه نیز منتقل کند. در این باره، در مقدمه کتاب چنین می نویسد:

(... ترجمه آیه شریفه به اندازه گنجایش در تطابق فارسی و با عربی بذل مجهودش و لیکن در پاره ای از کلمات و تراکیب از راه عدم سلامت و نامأنوس بودن مفرط یا نارسایی در بیان، از مطابق عدول به غیر مطابق رفته بدون عروض شایبه از خلل در معنی مثل سته ایام که از مطابقتش که شش روزهاست ... و نیز در بعضی مواضع از بعض ضمائر که نه بر وفق محاوره فرس است چشم پوشیده شده ...).

تفسیر سلیمانی بدین گونه است که ابتدا ترجمه آیه به شیوایی آورده شده است و در قسمت بعدی تفسیر آیه مبارکه است که مفسر بزرگوار با شیوه ادبی، فلسفی، عرفانی و کلامی با تمایل به مشرب تصوف، مطالب دقیق و محققانه ای را بیان کرده است و با بهره مندی از عقل و با استناد به احادیث و روایات ائمه علیهم السلام و بحث های تاریخی، بر این عقیده است که آیات قرآن کریم دارای ظاهر و باطن است و ظاهر آن دعوت به توحید و نبوت و رسالت؛ و باطن آن دعوت به امامت و ولایت می کند. وی بحث های کلامی را با استدالات عقلی بیان می کند، به ویژه درباره آیاتی که دلالت بر فضایل امیر مؤمنان علی علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام دارد. به هر حال مؤلف گراندقدر با تکیه بر روایات و استدلال، تمامی مسایل عقلی و فلسفی و سیر و سلوکی را بیان داشته است و خود در مقدمه چنین بیان می دارد:

(... فی الحقیقه تفسیر است منطبق بر ظاهر لغت و مشتمل بر حقایق مأثور از

اصحاب عصمت و دقایق مأخوذ از تفاسیر متقدم و متأخر، ارباب فضل و درایت به توفیق ربانی و تأیید سبحانی به انجام رسید... به روزگار فرخنده آثار صوفیان سده سنیه و فدویان عتبه علیه عاید گردد به حق محمد وآله المعصومین صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین...)

سپس نام خود و سال تألیف این تفسیر را چنین یاد کرده است:

(... به دستیاری خامه فقیر حقیر علیرضا ابن کمال الدین حسین الاردکانی الشیرازی غفر ذنوبهما وستر عیوبهما، در سال هزار و هشتاد و چهار هجری چنانکه ترجمه باب فرقان از تاریخش خبر می دهد...).

نام این تفسیر را سلیمانی نهاده است، به نام شاه سلیمان صفوی (جلوس ۱۰۷۷-۱۱۰۵هـ) و به وی اهداء کرده است.

آغاز بعد بسمله (الحمدلله والمنه وله الشکر که از میامن فیوضات با برکات زمان ابد توامان دولت با سعادت...)

این تفسیر گرانقدر در دایرة المعارف تشیع هنگام شرح حال مؤلف، در مجلد دوم، ماده اردکانی (۶۸/۲-۶۹) جزو تألیفات وی ذکر شده است و بدین جهت از جلد چهارم دایرة المعارف تشیع، مقاله تفسیر و تفاسیر شیعه حذف شده است.

استاد ما شیخ آقا بزرگ تهرانی این تفسیر را مشاهده نکرده و اشاره ای در الذریعه بدان نشده است. همچنین فرزند دانشورش استاد احمد منزوی آن را ندیده است و نامی در کتاب خود: فهرست نسخه های خطی فارسی، بخش تفسیرها نبرده است. اصل نسخه خط مؤلف منحصر به فرد از مخطوطات کتابخانه کاتب این سطور است و نیز در فهرس و معاجم الرجال و کتب سیر که در اختیار داشتم اثری از نسخه دوم این تفسیر را مشاهده نکردم.